

بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری سبک‌های فرزندپروری در خانواده‌های شهرستان اندیمشک^۱

جمیله علم‌الهدی^۲

مهوش میری^۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی عوامل فرهنگی، دینی، مذهبی و اقتصادی مؤثر در شکل‌گیری سبک‌های فرزندپروری در خانواده‌های شهرستان اندیمشک است. پژوهش، با به‌کارگیری رویکرد ترکیبی، به روش آمیخته اکتشافی انجام شده است، که شامل روش‌های کمی و کیفی است. ابزار پژوهش در بخش کمی پرسشنامه بامریند و در بخش کیفی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. جامعه پژوهش ۹۵ نفر از دانش‌آموزان دختر یکی از دبیرستان‌های شهرستان اندیمشک است که یک نمونه ۷۵ نفری، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، از میان آن‌ها انتخاب و سپس با والدین پانزده نفر از آن‌ها مصاحبه شده است. نتایج پژوهش عبارت‌اند از: ۱- سبک غالب فرزندپروری در بین والدین شهرستان اندیمشک سبک مقتدرانه است؛ ۲- باورهای مذهبی والدین در تعیین سبک‌های فرزندپروری آن‌ها مؤثر است؛ ۳- فضای فرهنگی خانواده‌ها در تعیین سبک‌های فرزندپروری آن‌ها مؤثر است؛ ۴- وضعیت اقتصادی خانواده‌ها در تعیین سبک‌های فرزندپروری آن‌ها مؤثر است. در کل، نتایج نشان می‌دهد که همه این عوامل جزء عوامل تأثیرگذار در تربیت فرزندان به شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی

سبک فرزندپروری، مذهبی بودن، فضای فرهنگی (رسانه‌ها)، اقتصاد خانواده

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۲۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۳/۲۳

g_alamolhoda@sbu.ac.ir

۲- دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید بهشتی

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی و مدرس دانشگاه پیام نور اندیمشک (نویسنده مسئول)

Mahvash.miri@yahoo.com

۱- بیان مسئله

عملکرد تربیتی خانواده از موضوعات مهم و حساسی است که با زندگی مردم و سرنوشت آنان ارتباط تنگاتنگی دارد و هرگز نمی‌توان آن را در ردیف قضایای ثانویه و دست‌دوم قرار داد، چرا که هسته تشکیل جامعه خانواده است. ماهیت و فضای روانی خانواده، که شامل روابط عاطفی والدین با فرزندان، فرزندان با یکدیگر و والدین با یکدیگر است، می‌تواند در ایجاد سازگاری، سلامت روانی، رشد مهارت‌های اجتماعی، موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان نقش تسهیل‌کننده یا بازدارنده‌ای داشته باشد (صمدی و رضایی، ۱۳۹۰، ص ۵۰). شیوه‌های تربیتی والدین نقش مهمی در رشد و نمو روانی اجتماعی نوجوانان، ارتباطات خانوادگی، موفقیت‌های تحصیلی، توانایی تصمیم‌گیری و اعتمادبه‌نفس آنان ایفا می‌کند (زارعی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۰-۲۲۴). بنابراین شیوه‌های فرزندپروری عامل تعیین‌کننده و اثرگذاری است که نقش مهمی در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان بازی می‌کند. والدین با شیوه‌های فرزندپروری خاص خود (مقتدر، مستبد، سهل‌گیر و سهل‌انگار) و با انتقال ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و نگرش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و شخصیت فرزندان ایفا می‌کنند و آن‌ها را برای زندگی پرفرازونشیبی مهیا می‌سازند (هاردی و همکاران^۱، ۱۹۹۷؛ به نقل از صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۴). یافته‌های تجربی زیادی نشان می‌دهد که رابطه تنگاتنگی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و تحول بهنجار یا نابهنجار کودکان، از جمله با بلوغ اجتماعی نوجوانان، سلامت روحی و روانی (فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۵) هویت و طبقه اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی، خصوصیات رفتار اجتماعی شدن (آنتون^۲ و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۹۰۳-۹۰۶) و سبک‌های مقابله (مسترز و موریس^۳، ۲۰۰۴، ص ۵۱۵-۵۲۲) وجود دارد.

فرزندپروری فعالیت پیچیده‌ای است که شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه‌ای است که به‌طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر در رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع، پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (بامریند^۴، ۱۹۹۱). با مریند در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می‌سازد که روش مؤثر را از روش‌های نه‌چندان مؤثر فرزندپروری جدا می‌سازد، این سه ویژگی عبارت‌اند از: پذیرش و روابط نزدیک، کنترل و استقلال دادن. او از تعامل این ویژگی‌ها سه سبک فرزندپروری به وجود آورده است: سبک والدگری مقتدرانه^۵، سبک والدگری مستبدانه^۶

-
- 1- Hardy et al
 - 2- Anton et al
 - 3- Meesters, C. and Muris
 - 4- Baumrind
 - 5- authoritative parenting style
 - 6- authoritarian parenting style

و سبک والدگری سهل‌گیرانه^۱. همچنین مکوبی و مارتین^۲ سبک والدگری ولن‌گاران^۳ را به این طبقه‌بندی اضافه کرده‌اند (استینبرگ^۴ و همکاران، ۱۹۸۹).

شیوه‌های فرزندپروری والدین تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که یکی از این عوامل مذهبی بودن و دینداری والدین است. زیرا همان‌طور که یونگ می‌گوید اعتقادات و آیین‌های مذهبی دست‌کم از لحاظ روش بهداشت روانی اهمیت خاصی دارند. یونگ همچنین می‌افزاید که اعتقادات مذهبی به صورت کامل‌تری از نظر علمی روح انسان را منعکس می‌کند، زیرا نظریه علمی فقط معرف و مبین قسمت خودآگاه است. مذهبی بودن والدین نظام عملی مبتنی بر اعتقادات در قلمرو فردی و اجتماعی است که بدون شک در سبک‌های فرزندپروری آن‌ها تأثیر می‌گذارد، چرا که فرزندان از والدین الگو می‌گیرند و رعایت اصول دینی می‌تواند نگاه کودکان را به زندگی و مسائل مذهبی تغییر دهد (رئیس‌یان‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۸). تربیت خانوادگی ماندگارتر از هر تربیت دیگری است، زیرا کودک بیشتر وقت خویش را در خانواده سپری می‌کند و پیوسته رفتارهای خانواده را مشاهده، و از آن‌ها تقلید و پیروی می‌کند. او عادت‌ها، تجربه‌ها و مهارت‌ها را از اعضای خانواده فرامی‌گیرد و در خود به نمودهای رفتاری تبدیل می‌کند. به همین دلیل اسلام والدین را در پرورش اخلاقی و دینی فرزندان خویش مسئول می‌داند و یکی از وظایف اساسی و حساس آن‌ها را تربیت و به‌خصوص تربیت دینی فرزندان دانسته است. والدینی که با سهل‌انگاری از تربیت و به‌خصوص تربیت دینی فرزندان خود سر باز می‌زنند از دیدگاه دین و اجتماع خطاکارند، چرا که فرزند نالایق و فاسد، علاوه بر آزار والدین، مزاحم و سربار اجتماع هم است (طباطبایی امیری و محمدیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱-۱۳۳). به نظر گانو و مور^۵ (۲۰۰۲) میزان مذهبی بودن افراد به آموزش‌های دوران کودکی، مدارس مذهبی، تحول شناختی، نیازهای روان‌شناختی، نوع فرزندپروری، چرخه زندگی خانواده و زمینه دموگرافیکی آن‌ها وابسته است. افراد دین را از طریق خانواده یا فرهنگشان، به همان طریقی که نقش جنسیتی، زبان یا سبک زندگی را فرامی‌گیرند، درونی می‌کنند. نظریه‌های بسیاری در مورد جامعه‌پذیری وجود دارد که از همه مهم‌تر نظریه یادگیری اجتماعی است. در نظریه یادگیری اجتماعی بر اهمیت مشاهده و تقلید به اضافه نقش تقویت تأکید شده است. طبق این نظریه، دین به‌شدت به وسیله محیط (به‌خصوص والدین) از طریق فرایندهای سرمشق‌گیری و تقویت تحت تأثیر قرار می‌گیرد (اسپلکا^۶ و همکاران، ۲۰۰۳).

1- parenting style landscape
2- Maccoby and Martin
3- lax parenting style
4- Astinbrg
5- Gunnoe, M.L and Moore, K.A
6- spilka

هوروات^۱ در پژوهشی که در سال ۲۰۱۲ در مورد جوانان یازده تا شانزده سال انجام داده گزارش می‌دهد که باورها و اعتقادات والدین مذهبی بر نوجوانان و شیوه زندگی و تربیتی آنها تأثیرگذار است، و دین بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی والدین و فرزندان است و جدا کردن دین از زندگی روزانه فرزندان دشوار است. همچنین از دیگر عوامل مؤثر در زمینه ایجاد و شکل‌گیری سبک‌های فرزندپروری می‌توان به فرهنگ اشاره کرد (حیدری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸). فرهنگ در باورها، پندار، کردار و گفتار مردمان خودنمایی می‌کند و ریشه در وجدان غربی و جمعی دارد و در جریان تربیت در وجدان فردی تجلی پیدا می‌کند. هویت اقوام و ملل از فرهنگ و خرده‌فرهنگ آنان برمی‌خیزد. از همین روی، هستی فرهنگ در هویت ملل نهفته است. هستی و هویت ملی از فرهنگ کلان ملی نشئت می‌گیرد، بنابراین این دو حامل به‌سادگی از بنیاد دگرگون نمی‌شود و به‌آسانی زیر پرتو شبکه‌های رسانه‌ای پزمرده نمی‌شود (شیخاوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۴). رالدکلیف براون^۲ می‌گوید که فرهنگ فرایند فراداده فرهنگی است؛ به این معنی که در آن گروه یا طبقه اجتماعی معینی زبان، باورها، تصورات، پسندها و انواع عرف را دست‌به‌دست از شخصی به شخص دیگر و از نسلی به نسل دیگر فراداده می‌کنند (صادق فرید، ۱۳۸۶، ص ۲۸۱). یکی از این عوامل فرهنگی که در خانواده و فرزندان تأثیر می‌گذارد رسانه است.

رسانه از ابزار گوناگونی در زمینه برنامه‌سازی برخوردار است و می‌تواند مفاهیم را در قالب‌های متنوع و جذاب به مخاطبان عرضه کند. رسانه‌ها می‌توانند بر سبک‌های فرزندپروری والدین و چالش‌های درون خانواده مؤثر واقع شوند، در واقع، رسانه‌ها می‌توانند به‌صورت پنهان قالب‌های خاص فرهنگی را در ذهن فرد ایجاد کنند و این قالب‌ها در روابط موجود در خانواده و فرزندان تأثیر می‌گذارند. اگرچه رسانه‌ها در کشور ما در بسیاری از موارد باعث افزایش سطح آگاهی و اطلاعات خانواده‌ها شده و در مواردی هم خود عامل ایجاد ناهنجاری در سطح خانواده بوده‌اند (روحی و سلیمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۵) کارلسون و همکارانش معتقدند که رسانه دروازه‌ای است که از طریق آن فرهنگ به افراد منتقل می‌شود، اگرچه محتوای رسانه عنصری فرهنگی به شمار می‌آید. در این میان، فرایند فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها عرصه واکاوی فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته است (کارلسون و همکاران^۳، ۲۰۰۸، ص ۱۲۶). رسانه‌ها عامل ارتباطی بسیار مهمی در انتقال مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی، دینی و تربیتی به فرزندان است، و امروز مسئولیت آنها در این زمینه سنگین‌تر هم شده است. یکی دیگر از عواملی که بر سبک‌های فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد اقتصاد خانواده یا همان درآمد خانواده است، به‌طوری که در اقتصاد

1- Horwath
2- Radolcif Brown
3- Carlsson, u et al

خانواده مانند سایر سازمان‌ها بحث درآمد و هزینه‌ها از بحث‌های اساسی است. کسب درآمد بیشتر و همچنین آگاه بودن به چگونگی مصرف درآمد به مدیریت خانواده^۱ بستگی دارد، همچنین انتخاب شیوه‌های بهتر در اقتصاد خانواده و کاهش نیاز اعضای آن نشان‌دهنده تدبیر و هنر مدیریت سرپرست خانواده است. بسیاری از مشکلات خانواده‌ها همانند جدایی زن و شوهر، ناسازگاری در خانواده‌ها، تربیت فرزندان، وضعیت تحصیلی خوب، انحرافات و کج‌روی فرزندان ریشه در مشکلات اقتصادی خانواده دارد. از سویی، افراد جامعه اسلامی باید تربیتی اقتصادی داشته باشند و فعالیت‌های اقتصادی و هزینه‌ای آن‌ها در چارچوب محاسبه و مدیریت انجام گیرد، زیرا اگر نظام اقتصادی خانواده با محاسبه باشد، زمینه‌ای سازنده برای رشد و شکوفایی مادی و معنوی فرزندان و بهره‌برداری به‌موقع از امکانات و نیروها ایجاد می‌شود (نجارپوراستادی، ۱۳۸۷، ص ۵۱). از سوی دیگر، وضعیت اقتصادی و توانایی مالی خانواده نیز همواره در پژوهش‌هایی که در زمینه فرزندپروری انجام شده مورد توجه قرار گرفته است، چنان‌که پژوهشی که کوپر^۲ (۲۰۱۰) در خصوص فقر خانواده و میزان مشارکت والدین در امور مدرسه و امور تربیتی فرزندان انجام داده نتایج نشان می‌دهد که اگرچه تفاوت‌های علمی و دانشگاهی خانواده‌های فقیر در مقایسه با خانواده‌های مرفه مشهود است، مشکلات اقتصادی به‌خصوص فقر در زندگی خانواده‌ها و فرزندان تأثیر منفی به جا گذاشته است، چرا که تجربه فقر بسیار ناراحت‌کننده و تلخ است و در سلامت روحی و روانی، و روابط اعضای خانواده تأثیر منفی به جا می‌گذارد، و این‌گونه خانواده‌ها همیشه در استرس و افسردگی به سر می‌برند. از آن‌جا که فرزندان سرمایه اصلی جامعه‌اند، هر حرکت خلاف که صدمه‌ای به این سرمایه بزند محکوم است، سلامت روح و جسم آن‌ها تعیین‌کننده سلامت جامعه آینده است، لذا والدین و رفتارهای آن‌ها در تکوین شخصیت کودکان نقش بسزایی دارند.

بنابراین شیوه‌های فرزندپروری والدین و عوامل مؤثر در آن از موضوعات کلیدی پژوهش است که شناخت این عوامل تأثیرگذار بر سبک‌های فرزندپروری به شناخت هرچه بیشتر خانواده‌ها و تأثیرپذیری آن‌ها از این عوامل منجر می‌شود. اگر این عوامل شناسایی نشوند، ممکن است مشکلات بسیاری برای فرزندان و خانواده‌ها به وجود بیاید که جبران آن‌ها غیرممکن باشد. چنین تناقضات آشکاری ما را بر آن داشت که به‌منظور یافتن پاسخی روشن و قاطع به پژوهش در این حیطه بپردازیم. تحقیق درباره این موضوع از آن نظر مهم است که امروزه در ایران نیز روزبه‌روز بر تعداد مادران شاغل تمام‌وقت، که ساعات طولانی جدا از فرزند خود به سر می‌برند، افزوده می‌شود. این پژوهش در پی آن است، که

1- family management

2- Cooper

ضمن بررسی سبک‌های فرزندپروری خانواده‌های شهرستان اندیمشک، عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری سبک‌های فرزندپروری (مذهبی بودن والدین، اقتصاد خانواده و فضای فرهنگی) را نیز بررسی کند. سؤال اصلی پژوهش این است که سبک‌های فرزندپروری خانواده‌های شهرستان اندیمشک^۱ چیست و عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری این سبک‌ها (مذهبی بودن والدین، اقتصاد خانواده و فضای فرهنگی) کدام‌اند؟

۲- روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ روش ترکیبی^۲ در قالب پژوهش آمیخته اکتشافی انجام شده که شامل روش‌های کمی و کیفی یا پژوهش‌های ترکیبی است. بدین ترتیب که فرایند تحقیق در دو مرحله متوالی صورت گرفته است: در مرحله نخست، مبتنی بر مطالعات کمی، از طریق اجرای پرسشنامه بامریند، و در مرحله دوم (مطالعه کیفی)، از طریق اجرای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، به شناسایی سبک‌های فرزندپروری والدین و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن‌ها پرداخته شده است. جامعه آماری پژوهش بنا بر ماهیت روش پژوهش از دو گروه تشکیل شده است. جامعه آماری بخش کمی عبارت است از: جامعه در دسترس که شامل تمام دانش‌آموزان سال سوم مقطع متوسطه یکی از دبیرستان‌های دخترانه شهرستان اندیمشک است که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مشغول به تحصیل، و تعدادشان ۹۵ نفر بوده است. اما شرکت‌کنندگان بخش کیفی پژوهش عبارت‌اند از: تمام والدین دانش‌آموزان سال سوم متوسطه همان دبیرستان. نمونه‌گیری به دو شکل انجام شده است: برای انتخاب نمونه در مرحله کمی تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده برای دانش‌آموزان استفاده شده است. بدین ترتیب، طبق جدول مورگان میزان نمونه در این تحقیق را ۷۵ نفر از دانش‌آموزان سال سوم متوسطه یکی از دبیرستان‌های دخترانه شهرستان اندیمشک تشکیل می‌دهد. نمونه‌گیری در بخش کیفی به صورت هدفمند انجام شده است. در بخش کیفی جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها نیز هنگامی متوقف می‌شود که اطلاعات در مورد همه دسته‌بندی‌های مورد نظر اشباع شود. ابزار مورد استفاده در پژوهش عبارت است از:

- پرسشنامه بامریند: یکی از ابزارهای مورد استفاده در پژوهش پرسشنامه فرزندپروری بامریند است که در اختیار جامعه مورد نظر که دانش‌آموزان بودند قرار داده شده است. این پرسشنامه طبق

1- Andimeshk
2- mixed method

نظریه بامریند و توسط خود وی در سال ۱۹۷۲ طراحی شد. پرسشنامه دارای سی عبارت در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت است که هر ده گویه از پرسشنامه یک سبک فرزندپروری را می‌سنجد. عدد یک برای گزینه کاملاً مخالفم، عدد دو برای گزینه مخالفم، عدد سه برای تقریباً مخالفم، عدد چهار برای گزینه موافقم و عدد پنج برای گزینه کاملاً موافقم در نظر گرفته شده است. نمره‌های مربوط به هر سبک که بیشتر از بقیه سبک‌ها باشد در حکم سبک فرزندپروری غالب در نظر گرفته می‌شود. بعد از پاسخ دادن دانش‌آموزان، بالاترین نمره در هر سبک به‌عنوان سبک فرزندپروری (سبک غالب) آن دانش‌آموزان انتخاب می‌شود، که در این‌جا سبک غالب مقتدرانه بود. بورای^۱ (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار از نوع پایایی این پرسشنامه نیز از روش بازآزمایی استفاده کرده و نتایج زیر را به دست آورده است. ۰/۸۷ برای شیوه سهل‌گیرانه مادر، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی مادر و ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری. همچنین پایایی پرسشنامه در بین پدران برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۷۷، برای استبدادی ۰/۸۵ و برای شیوه اقتداری ۰/۹۵ به دست آمده است. وی اعتبار از نوع همسانی درونی را به روش آلفای کرونباخ در بین مادران برای شیوه سهل‌گیری ۰/۷۵، برای شیوه استبدادی ۰/۸۵ و برای شیوه اقتداری ۰/۸۲ به دست آورد، و در بین پدران برای سهل‌گیری ۰/۷۴، برای استبدادی ۰/۸۷ و برای اقتداری ۰/۸۵ به دست آورد. بورای برای بررسی روایی پرسشنامه از روش روایی تشخیصی استفاده و مشاهده کرد که شیوه استبدادی مادر رابطه منفی بالایی با سهل‌گیری ($r = -.38$) و اقتدار مادر ($r = -.48$) دارد و به‌طور مشابه مستبد بودن پدر رابطه منفی بالایی با سهل‌گیری ($r = -.50$) و اقتدار وی ($r = -.52$) دارد. همچنین شیوه سهل‌گیری مادر رابطه معناداری با شیوه اقتداری او نداشت ($r = -.07$) و سهل‌گیری پدر رابطه معناداری با شیوه اقتداری او نداشت ($r = -.12$). به این ترتیب، این پرسشنامه سه مؤلفه متفاوت را می‌سنجد. بی‌طرف، شعیری و حکیم‌جوادی، در پژوهش خود در یک نمونه ۳۹۶ نفری از دانشجویان دانشگاه گیلان، ضرایب همسانی درونی پرسشنامه را برای شیوه‌های آسان‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب ۶۹٪، ۷۰٪ و ۷۹٪ گزارش کرده‌اند (بی‌طرف، شعیری، و حکیم‌جوادی، ۱۳۸۹، ص ۷۲). برای تعیین روایی از آرای استادان مشاور و راهنما و متخصصان موضوعی (ده نفر) استفاده شده و برای تعیین پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که ضرایب به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۲ و ۰/۸۵ به دست آمده است.

جدول ۱. سبک‌های فرزندپروری و گویه‌های مربوط به آن

تعداد فراوانی	گویه‌ها	سبک
۵۰	۳۰،۲۷،۲۳،۲۲،۲۰،۱۵،۱۱،۸،۵،۴	مقتدرانه
۱۲	۲۹،۲۶،۲۵،۱۸،۱۶،۱۲،۹،۶،۳،۲	مستبدانه
۱۳	۲۸،۲۴،۲۱،۱۹،۱۷،۱۴،۱۳،۱۰،۶،۱	سهل‌گیرانه
۷۵	جمع کل	

– مصاحبه نیمه‌ساختاریافته: در این تحقیق از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. این مصاحبه با طرح سؤالات کلی و اصلی صورت گرفته و در طول مصاحبه به افراد اجازه صحبت آزاد در مواردی که برای آن‌ها اولویت داشته داده شده است. برای حصول اطمینان از اعتبار داده‌ها و نتایج آن این اقدامات صورت گرفته است: سؤالات مصاحبه با همکاری استاد راهنما و دو استاد متخصص در کار کیفی تهیه شده؛ برای کسب اطمینان از اعتبار کدگذاری‌ها، مقولات تشکیل و نامگذاری شده؛ سپس، استاد راهنما، چند پژوهشگر و چند استاد متخصص در این زمینه آن را بازبینی و بررسی کرده‌اند. بعد از بررسی مقولات، در نهایت، با به‌کارگرفتن نظر متخصصان، مقولات نهایی به نحوی که در پژوهش دیده می‌شود شکل گرفتند. همچنین، مقولات باید دو ویژگی جامعیت و مانعیت را داشته باشند، به‌گونه‌ای که انعکاسی نسبتاً صحیح از دیدگاه‌های والدین باشند. به‌منظور تأیید معتبر بودن، پژوهشگر سعی کرده است تا بازنمایی دقیقی از مقوله‌های این امر نشان دهد. در تحقیقات کیفی الگوی منظمی، که با جمع‌آوری اطلاعات اولیه آغاز می‌شود و با تجزیه و تحلیل هم‌زمان داده‌ها و جمع‌آوری اطلاعات جدید ادامه می‌یابد تا زمانی که داده‌ها به اشباع برسند، تکرار می‌شود. بدین صورت که پژوهشگر داده‌ها را جمع‌آوری می‌کند، سپس آن‌ها را تحلیل می‌کند و مجدداً داده‌های بیشتری جمع می‌کند تا داده‌ها اشباع شوند. برخی از سؤالات مصاحبه

- ۱- آیا اعتقادات و باورهای دینی والدین در انتخاب روش‌های تربیتی آن‌ها نقش دارد؟ در چه زمینه‌ای؟ اشاره کنید؟
- ۲- آیا عوامل فرهنگی و مقولات آن (ماهواره، اینترنت، تلویزیون، کتاب و مجله) بر شیوه‌های تربیتی والدین تأثیرگذار است؟
- ۳- آیا اقتصاد و درآمد خانواده بر روش‌های تربیتی والدین تأثیرگذار است، در چه زمینه‌هایی؟ اشاره کنید؟

– تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش به دو صورت انجام شده است:

تجزیه و تحلیل داده‌های کمی: به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کمی، با استفاده از نرم‌افزار SPSS-16، توصیف داده‌های کمی، آمار توصیفی، توزیع فراوانی و درصد نمونه‌ها محاسبه شده است. **تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی:** همچنین از روش کدگذاری برای تجزیه و تحلیل پاسخ‌های والدین استفاده شده است. فرایند تحلیل در پژوهش به شرح ذیل و با استفاده از روش کدگذاری و مقوله‌بندی صورت گرفته است:

- انجام مصاحبه با والدین (این مصاحبه توسط ضبط صوت ثبت شده است)،
- وارد کردن یک‌به‌یک مصاحبه‌ها روی کاغذ،
- سطر به سطر مصاحبه‌ها بررسی شده و مقولات از آن‌ها استخراج شده و جمع‌بندی کلی صورت گرفته،
- کدگذاری باز^۱ (شامل خواندن خطبه‌خط داده، استخراج مفاهیم و جملات اصلی تشکیل‌دهنده مقولات و طبقات اولیه)،
- کدگذاری محوری^۲ (شامل طبقه‌بندی داده‌های زیر طبقات و تشکیل طبقات نهایی) (عابدی، ۱۳۸۵، ص ۷۱).

مصاحبه با والدین در مکانی آرام و خلوت، و در ساعاتی که معمولاً کاری نداشتند و فرصت همکاری داشتند، چه در مدرسه و چه در خانه، انجام شده است. قبل از شروع مصاحبه – علاوه بر اطلاعات شفاهی مورد نیاز درباره موضوع پژوهش، و هدف از انجام آن و تأکید بر محرمانه بودن اطلاعات شخصی آن‌ها – صدای آن‌ها به‌طور کامل ضبط و از امور و نکات کلیدی یادداشت‌برداری شده است. زمان هر مصاحبه حدود یک ساعت به طول انجامیده است.

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- یافته‌های کمی پژوهش

پرسشنامه بامریند روی ۷۵ نفر از دانش‌آموزان سال سوم متوسطه یکی از دبیرستان‌های شهرستان اندیمشک اجرا شده است. با توجه به نمره‌گذاری پرسشنامه‌ها و درصد فراوانی آن‌ها نتایج پرسشنامه

1- open coding

2- axial coding

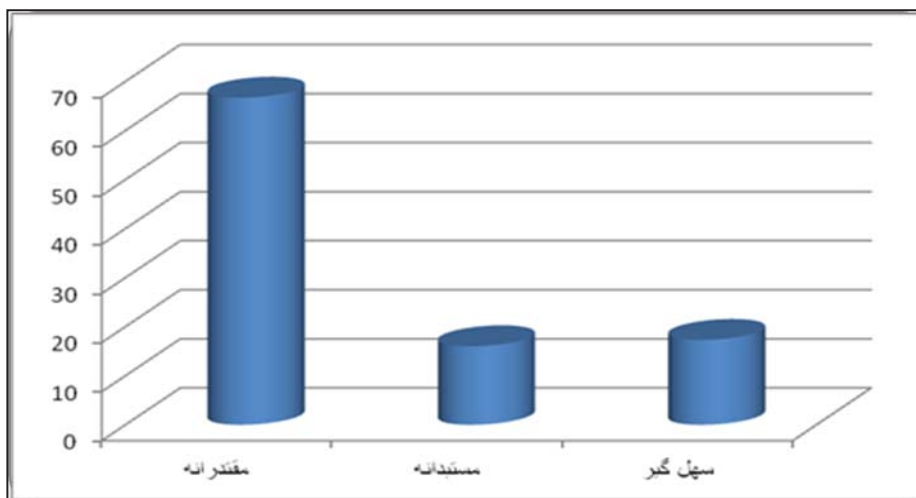
نشان می‌دهد که دانش‌آموزان سال سوم متوسطه در ارزیابی سبک والدین خود بیشترین امتیاز را به سبک مقتدرانه و بعد سبک مستبدانه و سبک سهل‌گیرانه داده‌اند، و از دیدگاه فرزندان بهترین سبک تربیتی همان سبک مقتدرانه است که نتایج آن در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد آزمودنی‌ها به تفکیک سبک فرزندپروری

سبک فرزندپروری	درصد	فراوانی
مقتدرانه	۶۶/۷	۵۰
مستبدانه	۱۶/۰	۱۲
سهل‌گیر	۱۷/۳	۱۳
جمع	۱۰۰/۰	۷۵

بر اساس نتایج جدول شماره ۲، از میان کل افراد نمونه ۶۶/۷ درصد (پنجاه نفر) سبک فرزندپروری مقتدرانه، ۱۶ درصد (دوازده نفر) سبک فرزندپروری مستبدانه و ۱۷/۳ درصد (سیزده نفر) سبک فرزندپروری سهل‌گیر دارند. بنابراین سبک برتر (غالب) همان سبک مقتدرانه است.

نمودار ۱. توزیع آزمودنی‌ها به تفکیک سبک فرزندپروری



۲-۳- یافته‌های کیفی پژوهش

در این قسمت ابتدا نتایج استخراج‌شده از مرحله کدگذاری باز ارائه می‌شود و در ادامه به نتایج کدگذاری

محوری پرداخته می‌شود.

- اولین سؤال پژوهش: آیا مذهبی بودن والدین در تعیین سبک‌های فرزندپروری آن‌ها مداخله می‌کند؟

مذهبی بودن والدین یکی از عوامل مهم تربیت دینی فرزندان است، چرا که والدین مذهبی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم در جامعه‌پذیری و دینی کردن فرزندان خود نقش بسزایی دارند. رفتارهای مذهبی فرزندان به وسیله تعامل بین سطوح تعهد دینی در خانواده و حمایت‌ها و زمینه‌های مذهبی خانواده (والدین) تحت تأثیر قرار می‌گیرد، در خانواده‌های مذهبی فضای گرم و پذیرنده مشوق فرزندان برای آموزش و بحث‌های دینی است (صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹).

مذهبی بودن والدین دربرگیرنده مقوله‌های تربیت دینی و مذهبی بودن والدین، و عوامل تأثیرگذار بر تربیت دینی فرزندان است، چنان که شرکت‌کننده کد ۱۱۴، که دارای سبک A^۱ است، معتقد است: «اگر خانواده از لحاظ اعتقادی ضعیف و بی‌قید و بند باشد، به پوشش و اصول دینی اهمیت ندهند، زیاد از فرزندان انتظار نمی‌رود که در جهت دینی شدن گام بردارند، چرا که جو مناسبی برای رشد دینی ندارند». شرکت‌کننده کد ۱۴۹، که دارای سبک B^۲ است، معتقد است: «فرزندان نیاز دارند که والدین خود را در محیط خانه به‌عنوان الگوهای دینی و اخلاقی ببینند تا درس‌های دینی زندگی را از آن‌ها بیاموزند و آن‌جاست که باورهای مذهبی فرزندان شکل اصلی خود را پیدا می‌کند». شرکت‌کننده کد ۱۱۱، که دارای سبک C^۳ است، معتقد است: «فضای مذهبی خانواده در افکار و اندیشه‌های فرزندان تأثیر خوبی دارد. سلامت روحی و روانی آن‌ها را تضمین می‌کند».

جدول ۳. نتایج کدگذاری محوری به همراه مقوله‌های فرعی در پاسخ شرکت‌کنندگان به مقوله مذهبی بودن والدین

تعدادکل	فراوانی	سبک‌ها			خرده‌مقولات (زمینه‌های تأثیرگذار)	زیر مقوله	مقوله اصلی
		C	B	A			
۱۵	۱۳	۴	۴	۵	پوشش و عفاف	زمینه‌های تأثیرگذار (تربیت دینی)	مذهبی بودن والدین
۱۵	۱۰	۲	۳	۵	شکل‌گیری شخصیت		
۱۵	۱۲	۲	۵	۵	نقش الگویی والدین		
۱۵	۱۱	۲	۴	۵	انجام اعمال دینی		

۱- علامت اختصاری سبک مقتدرانه

۲- علامت اختصاری سبک مستبدانه

۳- علامت اختصاری سبک سهل‌گیرانه

۱۵	۱۱	۲	۴	۵	ایمان و التزام دینی	عوامل تأثیرگذار
۱۵	۱۲	۳	۴	۵	دینی شدن	
۱۵	۱۱	۱	۵	۵	خانواده	
۱۵	۱۲	۵	۳	۴	اماکن و مؤسسات	
۱۵	۱۰	۵	۲	۳	دوستان و همسالان	
۱۵	۱۰	۵	۲	۳	رسانه	
۱۵	۱۲	۵	۳	۴	مدرسه و معلمان	
		۳۱	۳۷	۴۶	جمع	

یافته‌های حاصل از پاسخگویی به سؤال اول پژوهش نشان می‌دهد که همه شرکت‌کنندگان (والدین) معتقدند که باورها و اعتقادات آن‌ها در روش‌های تربیتی فرزندانشان تأثیر می‌گذارد و مذهبی بودن والدین دربرگیرنده مقولات زمینه‌ها و عوامل تأثیرگذار است. در خصوص مقوله زمینه‌های تأثیرگذار، شباهت بین شرکت‌کنندگان، در سه سبک مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه، به دینی شدن فرزندان، پوشش و عفاف، و الگوگیری از والدین مربوط است، در حالی که تفاوت‌های آن‌ها بیشتر در زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت فرزندان، فضای خانواده، ایمان و التزام دینی، و انجام اعمال است. اما در خصوص مقوله عوامل مؤثر در تربیت دینی فرزندان، اگرچه پاسخ‌های والدین نشان می‌دهد که خانواده مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عامل در تربیت دینی فرزندان است و دیگر عوامل بعد از خانواده قرار می‌گیرند، بیشترین میزان شباهت والدین سه سبک در زمینه عواملی چون مدرسه، معلمان، اماکن و مؤسسات است. این در حالی است که تفاوت‌های آن‌ها بیشتر در زمینه خانواده، رسانه و دوستان است، به‌گونه‌ای که والدین سبک مقتدرانه و مستبدانه برای خانواده اهمیت بیشتری قائل‌اند، ولی والدین سبک سهل‌گیرانه دیگر عوامل را در اولویت قرار می‌دهند و برای خانواده ارزش کمتری قائل‌اند. شرکت‌کنندگان سبک مقتدرانه بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند و نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان سبک مقتدرانه بیشتر تحت تأثیر اعتقادات و باورهای دینی خود در تربیت فرزندان قرار دارند و والدینی که از اعتقادات و باورهای دینی قوی‌تری برخوردارند در تربیت فرزندان خود بیشتر از سبک مقتدرانه بهره می‌گیرند. بنابراین مذهبی بودن والدین به‌مثابه یکی از عوامل مهم و مؤثر در تربیتی دینی فرزندان به شمار می‌آید که در تعیین سبک‌های تربیتی والدین مداخله می‌کند چرا که نخستین الگوهای دینی و تربیتی فرزندان والدین او در خانواده هستند.

- سؤال دوم پژوهش: آیا فضای فرهنگی خانواده در تعیین سبک‌های فرزندپروری والدین مداخله می‌کند؟

فرهنگ درون خانواده‌ها از ارزش‌ها و باورهای موجود در جامعه تأثیر می‌پذیرد و آن نیز به‌نوبه خود در فرزندان تأثیر می‌گذارد، پس می‌توان گفت که شرایط فرهنگی درون خانواده‌ها در فرزندان تأثیر می‌گذارد، چرا که فرزندان تحت آن شرایط در خانواده بزرگ می‌شوند و افکار و ذهنیات خود را بر اساس همان باور و اعتقاد شکل می‌دهند. فضای فرهنگی خانواده دربرگیرنده مقوله‌های فضای فرهنگی خانواده، رسانه‌ها در نقش واسطه انتقال فرهنگ‌ها و تهاجم فرهنگی است. شرکت‌کننده کد ۱۰۶، که دارای سبک A است، معتقد است: «فضای فرهنگی موجود در خانواده در فرزندان و زمینه‌های فکری و فرهنگی آن‌ها تأثیر بسیاری می‌گذارد، اگرچه در خانواده ما بیشتر از تلویزیون، کتاب و مجلات داخلی استفاده می‌کنیم که به دلیل در دسترس بودن و کم‌هزینه بودنشان است.» شرکت‌کننده کد ۱۴۹، که دارای سبک B است، معتقد است: «والدین از طریق روش‌های تربیتی فرهنگ را به فرزندان خود منتقل می‌کنند. از ماهواره و تلویزیون به دلیل برنامه‌های جذاب و سرگرم‌کننده‌ای که دارند بیشتر استفاده می‌شود، برعکس رسانه‌های داخلی که فقط برنامه‌های تکراری دارند.» شرکت‌کننده کد ۱۰۷، که دارای سبک C است، معتقد است: «ماهواره، با رواج برنامه‌های مبتذل و خلاف ارزش‌های اسلامی و خانوادگی، بیش از هر رسانه‌ای در تهاجم فرهنگی موفق بوده است. شبکه‌های متنوع ماهواره‌ای همه گروه‌های سنی را در بر می‌گیرد و تلاش می‌کند بر خانواده‌ها احاطه داشته باشد.» در این پژوهش خانواده و فضای فرهنگی آن، در نقش مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه، پیوسته در حال تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دوسویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسان در خانواده به هویت و شخصیت دست می‌یابد و در خانواده سالم است که افراد به تکامل معنوی و اخلاقی می‌رسند و این فضا بدون شک در اعتقادات و باورهای فرزندان تأثیر می‌گذارد.

جدول ۴. نتایج کدگذاری محوری به همراه مقوله‌های فرعی در پاسخ شرکت‌کنندگان به مقوله فضای فرهنگی

مقوله اصلی	زیرمقوله	خرده‌مقولات (رسانه‌ها)	سبک‌ها			تعداد کل
			A	B	C	
فضای فرهنگی	رسانه‌ها واسطه انتقال فرهنگ‌ها	ماهواره	۳	۳	۵	۱۵
		تلویزیون	۵	۳	۳	۱۵
		اینترنت	۴	۲	۳	۱۵
		کتاب	۵	۴	۲	۱۵
		مجله و روزنامه	۳	۳	۴	۱۵

۱۵	۱۴	۴	۵	۵	ماهواره	تفاوت فرهنگ و رسانه	
۱۵	۱۰	۳	۴	۳	اینترنت		
۱۵	۹	۲	۳	۴	تلویزیون		
۱۵	۷	۲	۲	۳	کتاب و مجلات		
		۲۸	۲۹	۳۵	جمع		

یافته‌های حاصل از پاسخگویی به سؤال دوم پژوهش نشان می‌دهد که اکثر شرکت‌کنندگان این پژوهش معتقدند که فضای فرهنگی درون خانواده‌ها بدون شک بر فرزندان، نگرش، افکار و ذهنیاتشان تأثیرگذار است. به این ترتیب، در خصوص مقوله فضای فرهنگی (رسانه‌ها واسطه انتقال فرهنگ‌ها)، شرکت‌کنندگان سه سبک فرزندپروری در استفاده از رسانه‌هایی چون ماهواره، تلویزیون، مجله و روزنامه به یکدیگر شباهت دارند که این به دلیل اطلاع‌رسانی، به‌روز بودن، برنامه‌های متنوع و جذاب، و در دسترس بودن آن‌هاست. این در حالی است که آن‌ها، بیشتر، در زمینه استفاده از اینترنت و کتاب تفاوت دارند که دلیل آن هم در دسترس نبودن و هزینه زیاد آن‌هاست. در زمینه تهاجم فرهنگی و این که چه رسانه‌ای موفق‌تر عمل کرده است شرکت‌کنندگان هر سه سبک اغلب به نقش ماهواره و بعد اینترنت اشاره کردند. دلیل آن‌ها برای چنین نظری در دسترس بودن، هزینه کم، برنامه‌های متنوع و ضد اخلاقی، رواج مدگرایی، رواج فساد و فحشا، و تغییر در اعتقادات و افکار خانواده‌ها است. رسانه‌ای چون ماهواره و اینترنت روی ضعف‌ها و احساسات خانواده‌ها و به‌خصوص نسل جوان انگشت می‌گذارد و راه‌های نفوذ در ذهن جوانان را پیدا می‌کند.

سؤال سوم پژوهش: آیا وضع اقتصادی خانواده در تعیین سبک‌های فرزندپروری والدین مداخله می‌کند؟

امروزه زندگی همه افراد به نوعی به اقتصاد خانواده وابسته است و از رهگذر آن سود و زیان بسیاری نصیب افراد خانواده می‌شود. اگر والدین این اقتصاد را به‌خوبی مدیریت کنند، آن را در مسیر صحیح هدایت کنند و الگوی خوبی برای فرزندان خود باشند، بدون شک، تأثیرات خوب آن را در همه جنبه‌های زندگی خود و فرزندان می‌توانند ببینند. اما اگر زندگی‌شان بی‌برنامه باشد، باید منتظر هزینه‌های پیش‌بینی نشده‌ای باشند که اقتصاد خانواده را فلج می‌کند. اقتصاد خانواده دربرگیرنده مقوله‌هایی چون اقتصاد خانواده و مدیریت کردن اقتصاد خانواده است. شرکت‌کننده کد ۱۰۶، که دارای سبک A است، معتقد است: «درآمد خانواده در تربیت فرزندان تأثیر می‌گذارد، و پایایی عمل بیشتری برای والدین در تهیه کردن امکانات رفاهی و آموزشی، و اوقات فراغت فرزندان فراهم می‌کند.» شرکت‌کننده کد ۱۴۹، که دارای سبک B است، معتقد است: «اقتصاد خانواده در روش‌های تربیتی فرزندان تأثیرگذار است، چرا که خیلی از خانواده‌ها

بر اثر وضع اقتصادی نامناسب از فرستادن فرزندان خود به مدرسه خودداری می‌کنند. آن‌ها توانایی تأمین هزینه‌های هرچند جزئی فرزندان را ندارند. این مسائل می‌تواند آینده فرزندان را تحت تأثیر قرار دهد و فرزندان در بی‌سوادی بمانند. «شرکت‌کننده کد ۱۱۱، که دارای سبک C است، معتقد است: «اقتصاد خانواده در روش‌های تربیتی والدین مداخله می‌کند و بین آن دو ارتباط قوی و محکمی وجود دارد، چرا که موجب فراهم آمدن آرامش و رضایت خاطر فرزندان، جلوگیری از کج‌روی‌ها و انحرافات، عملکرد تحصیلی خوب، امکانات بهداشتی و سلامتی و رفاهی، و اوقات فراغت مفید برای فرزندان می‌شود.» شرکت‌کنندگان سه سبک اظهار کردند که درآمدشان خوب است و بدون شک درآمد خوب، اگر مدیریت صحیح شود، بر روش‌های تربیتی والدین تأثیرگذار باشد.

جدول ۵. نتایج کدگذاری محوری به همراه مقوله‌های فرعی در پاسخ شرکت‌کنندگان به مقوله اقتصاد خانواده

مقوله اصلی	زیر مقوله‌ها	خرده‌مقولات (زمینه‌های تأثیرگذار)	سبک‌ها			تعداد کل
			A	B	C	
اقتصاد خانواده	تربیت اقتصادی	عملکرد تحصیلی	۴	۲	۴	۱۵
		رضایت خاطر	۴	۲	۴	۱۵
		بهداشت و سلامتی	۴	۳	۴	۱۵
		انحرافات و کج‌روی	۳	۳	۳	۱۵
		چگونگی مدیریت	۵	۴	۲	۱۵
		فقدان مدیریت	۲	۳	۴	۱۵
		اوقات فراغت	۴	۲	۴	۱۵
		کلاس‌های تقویتی و آموزشی	۴	۲	۴	۱۵
		تربیت صحیح	۵	۵	۳	۱۵
		برنامه‌ریزی	۴	۳	۲	۱۵
		نیازهای متنوع	۴	۴	۴	۱۵
		جمع	۴۳	۳۴	۳۸	

یافته‌های حاصل از پاسخگویی به پرسش سوم نشان می‌دهد که بیشتر شرکت‌کنندگان معتقدند که اقتصاد خانواده در روش‌های تربیتی والدین تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که در این باره بیشترین شباهت‌های والدین سه سبک فرزندپروری در زمینه‌های آرامش و رضایت خاطر، جلوگیری از انحرافات و کج‌روی‌ها، بهداشت و سلامتی، و اوقات فراغت مفید بود. و اما تفاوت شرکت‌کنندگان سه سبک در زمینه عملکرد تحصیلی، کلاس‌های تقویتی و آموزشی، چگونگی مدیریت و تربیت صحیح فرزندان بود. در زمینه همخوانی هزینه‌ها و درآمدها (مدیریت کردن اقتصاد خانواده)، اکثر شرکت‌کنندگان سه سبک بیان کردند که درآمدها و هزینه‌های آن‌ها با هم همخوانی ندارد. بیشترین شباهت شرکت‌کنندگان سه سبک در

زمینه‌هایی چون بالا بودن تورم و هزینه‌ها، خواسته‌های متنوع فرزندان و شاغل بودن والدین بود، در حالی که تفاوت‌های آن‌ها بیشتر به زمینه‌هایی چون نبود برنامه‌ریزی، مدیریت/فقدان مدیریت مناسب و نبود توجیه برای فرزندان برمی‌گردد. اما تعداد کمی از آن‌ها که درآمدها و هزینه‌هایشان همخوانی داشت معتقد بودند که دلیل آن مدیریت، برنامه‌ریزی و تربیت صحیح فرزندان است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عوامل مذهبی بودن والدین، فضای فرهنگی و شرایط اقتصادی در شکل‌گیری سبک‌های تربیتی والدین شهرستان اندیمشک مداخله می‌کند. به عبارت دیگر، پاسخ‌های شرکت‌کنندگان نشان‌دهنده توجه والدین به مسئله تربیت دینی فرزندان است، و این که مذهبی بودن والدین در تعیین سبک‌های تربیتی والدین مداخله می‌کند. اگرچه شرکت‌کنندگان سبک مقتدرانه بیشترین امتیاز را کسب کردند، نتایج نشان داد که شرکت‌کنندگان سبک مقتدرانه در تربیت فرزندانشان بیشتر تحت تأثیر اعتقادات و باورهای دینی خودشان قرار دارند و این که والدینی که از اعتقادات و باورهای دینی قوی‌تری برخوردارند در تربیت فرزندان خود از سبک مقتدرانه بهره می‌گیرند. همچنین، مذهبی بودن والدین در کیفیت روش‌های تربیتی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و به پرورش فرزندان پاک و سالم در دامن خانواده‌ای سالم منجر می‌شود. پژوهش‌های همسویی چون بررسی رابطه سبک‌های تربیتی و تربیت دینی با میزان مذهبی بودن والدین نشان می‌دهد که میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی درونی مادر در سبک تربیتی مقتدرانه در مقایسه با سایر سبک‌ها بالاتر است (صادقی، مظاهری، و حیدری، ۱۳۸۶، ص ۱۱). در همسویی همچنین می‌توان به پژوهش (نصیرزاده و شعیری، ۱۳۸۸، ص ۵۲) «رابطه ادراک کودکان از خشونت والدین در فرزندپروری و باورهای مذهبی کودکان» اشاره کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که والدین و آموزش‌هایی که در آموزشگاه داده می‌شود در مذهب کودکان تأثیر دارد. در ضمن افزایش اطلاعات ما در زمینه روان‌شناسی مذهب کودکان در آموزش مذهب به کودکان نیز مفید است. همچنین در همسویی با آن می‌توان به پژوهش هوروت با عنوان «در ارتباط با تأثیر دین در زندگی خانوادگی نوجوانان در انگلستان» (۲۰۱۲) اشاره کرد که بر اساس آن مذهبی بودن والدین در فرزندان نوجوان آن‌ها تأثیر می‌گذارد و دین بخش جدایی‌ناپذیر زندگی والدین آن‌ها به شمار می‌آید. در پژوهشی که با موضوع نقش جهت‌گیری مذهبی والدین در سبک فرزندپروری و خشونت خانوادگی انجام شده نتایج نشان می‌دهد که والدینی که جهت‌گیری مذهبی بیشتری دارند در تربیت فرزندان خود از سبک مقتدرانه استفاده می‌کنند (غلامی جلیسه، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خانواده و فضای فرهنگی آن به‌مثابه مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که پیوسته در حال تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دوسویه از فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسان در خانواده به هویت و شخصیت دست می‌یابد و در خانواده سالم است که افراد به تکامل معنوی و اخلاقی می‌رسند و این فضا، بدون شک، در اعتقادات و باورهای فرزندان تأثیر می‌گذارد. ابعاد مرتبط با فضای فرهنگی عبارت است از: فضا و شرایط فرهنگی خانواده‌ها و رسانه‌ها واسطه انتقال فرهنگ‌های مختلف و تهاجم فرهنگی و تأثیر در فرزندان است. پژوهش‌های همسویی چون «آسیب‌شناسی تأثیر ماهواره‌ها بر هویت اجتماعی فرهنگی دانشجویان» نشان می‌دهد که ماهواره تأثیر پررنگ و قوی‌ای در هویت و شخصیت فرزندان و دانشجویان دارد. رسانه‌های جمعی با تأثیری که در فرهنگ و ساختارهای اجتماعی و نظام بین‌المللی دارند رفته‌رفته به افول فرهنگ و بی‌هویتی در میان خانواده‌ها و به‌خصوص نسل جوان منجر می‌شوند و سبک زندگی خاص و هدفمندی را اشاعه می‌دهند (محمدی، فرهادی، و حصاری، ۱۳۹۰، ص ۱). و این نتیجه با نتایج یافته‌های حاصل از پژوهش‌های تجربی گذشته از رفعت‌جاه و شکوری (۱۳۸۷)، ربیعی (۱۳۸۷) و جانسون (۲۰۰۲) همسو و هماهنگ بود.

در نهایت، شرایط اقتصادی خانواده در تعیین سبک‌های فرزندپروری والدین تأثیر دارد. در خصوص شرایط اقتصادی خانواده می‌توان به ابعاد آن، که شامل اقتصاد خانواده و مدیریت کردن اقتصاد خانواده توسط والدین است، اشاره کرد. در زمینه تأثیر اقتصاد خانواده در روش تربیتی والدین پژوهشی که مستقیم به این مسئله پرداخته باشد وجود ندارد. اما تلاش شده پژوهش‌هایی که تا اندازه‌ای به موضوع پژوهش نزدیک است برای پیشینه استفاده شود، به‌گونه‌ای که می‌توان در همسویی به پژوهش عزیزی، حیدرخانی و حجت (۱۳۹۰) در ارتباط با فقر اقتصادی و کج‌رفتاری اجتماعی جوانان شهر تهران و شمیرانات اشاره کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین فقر اقتصادی و کج‌رفتاری به‌صورت غیرمستقیم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با نتایج پژوهش حضرتی لیلان (۱۳۸۹) تحت عنوان «بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و میزان اضطراب دانش‌آموزان» همسوست. نتایج این پژوهش نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری والدین بر اساس پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد و خانواده‌های برخوردار از پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین شیوه تربیتی فرزندان نشان مستبدانه است. در پژوهشی که جمشیدی و همکاران (۱۳۹۱) انجام دادند همسویی نتایج نشان داد که سلامتی فرزندان تحت تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده‌های نوجوانان قرار دارد، و از درآمد و شغل والدین در حکم ملاک وضعیت اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌کنند که با پژوهش پیترسون^۱

(۲۰۰۳) تحت عنوان «درآمد خانواده به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده بر سلامت نوجوانان» همسو بود. چنان‌که نتایج آن نشان می‌دهد که درآمد خانواده آثار مستقیم و درخور توجهی بر سلامت نوجوانان دارد، چرا که خانواده‌های با درآمد بالا به وضعیت بهداشتی، درمان، اوقات فراغت و ورزش فرزندان خود اهمیت بیشتری می‌دهند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان چنین گفت که اگر والدین آگاهی و شناخت لازم در خصوص سبک‌ها و عوامل مؤثر در آن‌ها را داشته باشند و در رفتار با فرزندان خود این آگاهی را منعکس کنند، قطعاً در تربیت فرزندان خود موفق‌تر خواهند بود. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به شرایط کنونی فرهنگ جامعه و شرایط خانواده‌ها مناسب‌ترین شیوه والدین همانا شیوه قاطع و اطمینان‌بخش است، چون شیوه مستبدانه و سهل‌گیرانه در نتایج تربیت تأثیر منفی می‌گذارد و اهداف تربیتی را با انحراف مواجه می‌سازد، در حالی که شیوه تربیت قاطع و اطمینان‌بخش فرزندان را به موفقیت می‌رساند. پس در شیوه تربیتی مناسب امروز نه سبک افراط در کنترل (روش استبدادی) و نه سبک تفریطی آن (سهل‌گیری) با اهداف سلامت و موفقیت فرزندان قرین نیست، در حالی که در سبک مقتدرانه فرزندان، متناسب با موفقیت و امکانات خود، حق دخالت در اداره امور خانه و اظهارنظر درباره مسائل را دارند. در پایان می‌توان گفت که چون فرزندان مورد مطالعه در این پژوهش در دوره سنی خاصی قرار دارند و با توجه به وضعیت روان‌شناختی، فیزیکی و روحی و روانی آن‌ها، که هنوز بلوغ فکری و اجتماعی لازم را کسب نکرده‌اند، و بر اثر حساسیت‌های فکری‌ای که دارند و آسیب‌هایی که ممکن است ببینند، والدین زیاد به آن‌ها سخت نمی‌گیرند و از روش استبدادی استفاده نمی‌کنند، و ترجیح می‌دهند از روش مقتدرانه (اقتدار منطقی) که مناسب‌تر است و والدین و فرزندان در آن به درک متقابلی از هم می‌رسند و بین آن‌ها تعامل و ارتباطی متقابل و دوجانبه برقرار است استفاده کنند، چرا که در غیر این صورت باید منتظر عواقب و مشکلاتی باشند که در انتظار فرزندانشان است. این دلایل باعث شده که والدین شهرستان اندیمشک سبک مقتدرانه را به‌عنوان سبک برتر خود انتخاب کنند. بنابراین، با توجه به اهمیت فرزندپروری و نقش عوامل مؤثر در آن، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که به انجام این نوع پژوهش‌ها در سطح ملی مبادرت ورزند تا ادراک درستی از تأثیرگذاری عوامل مؤثر در آن به دست بیاید. همچنین، با توجه به این‌که این پژوهش در مورد دختران انجام شده است، ضمن توسعه جامعه آماری پژوهش به شهر، منطقه و استان، به بررسی سبک‌های فرزندپروری در مورد پسران هم پرداخته شود. در نهایت، به استفاده‌کنندگان از نتایج پژوهش، به‌خصوص سازمان آموزش و پرورش، مدارس، فرهنگسراها، کانون‌های تربیتی آموزش و پرورش، کانون‌های فرهنگی مساجد و اماکن مذهبی پیشنهاد می‌شود که در دوران آموزش‌های رسمی و تحصیلات دانشگاهی آموزش‌هایی هم در زمینه سبک‌های تربیتی، به‌خصوص برای والدین، در نظر گرفته شود.

منابع

- بی‌طرف، شبنم و محمدرضا شعیری و منصوره حکیم جوادی (۱۳۸۹)، «هراس اجتماعی، سبک‌های والدگری و کمال‌گرایی»، فصلنامه روان‌شناسی تحولی، ش ۲۵، صص ۷۵-۸۲.
- جمشیدی، ل. و دیگران (۱۳۹۱)، «بررسی وضعیت درآمد خانواده و سلامتی نوجوانان»، فصلنامه پایش، س ۱۱، ش ۲، صص ۱۸۱-۱۸۶.
- حیدری، محمود و محسن دهقانی و محمدکریم خدایپناهی (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده و جنس بر خود ناتوان‌سازی»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۵، ش ۱۸، صص ۱۳۷-۱۲۵.
- حضرتی لیلان، اکرم (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و میزان اضطراب دانش‌آموزان»، اولین همایش کشوری دانشجویی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، صص ۲-۲۱.
- روحی، اکبر و شیرین سلیمی‌نیا (۱۳۸۹)، «رسانه و آموزش خانواده»، اصفهان: دانشگاه خوارسگان، صص ۱-۵.
- رئیس‌پایان‌زاده، جعفر (۱۳۸۹)، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی والدین و شیوه‌های فرزندپروری آن‌ها و تأثیر آن بر تحول روانی اجتماعی فرزندان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، صص ۳۸-۶۶.
- زارعی، اقبال (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر»، مجله علمی پژوهشی دانشگاه شهید صدوقی یزد، دوره ۱۸، ش ۳، صص ۲۲۴-۲۲۰.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۲)، ناسیونالیسم و هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
- صادق فرید، محمد (۱۳۸۶)، «فرهنگ رسانه»، نقش نوآور، ش ۱.
- صادقی، منصوره (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه روش تربیت دینی تصور از خدا در دانشجویان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، صص ۱۵-۱۸.
- صادقی، منصوره‌السادات و محمدعلی مظاهری و محمود حیدری (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه سبک‌های تربیتی و تربیت دینی با میزان مذهبی بودن والدین»، دوفصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۱، ش ۱، صص ۱۱-۳۲.

- صمدی، معصومه و منیره رضایی (۱۳۹۰)، «بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۱۹، ش ۱۲، صص ۹۵-۱۱۷.
- طباطبایی امیری، فائزه سادات و اکرم محمدیان (۱۳۸۹)، «نقش تربیت دینی خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی»، فصلنامه طهورا، صص ۱۱۱-۱۳۴.
- عزیزی، جلیل و هاییل حیدرخانی و سودابه حجت (۱۳۹۰)، «فقر اقتصادی و کج رفتاری اجتماعی جوانان»، همایش ملی آسیب شناسی مسائل جوانان، دانشگاه آزاد فلاورجان، صص ۳۱۳-۳۴۱.
- عابدی، حیدرعلی (۱۳۸۵)، «تحقیقات کیفی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، س ۱۲، ش ۴۷.
- غلامی جلیسه، سمیه (۱۳۸۶)، «نقش جهت گیری مذهبی والدین در سبک های فرزندپروری و خشونت خانوادگی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران.
- فراهانی، محمدنقی (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه سلامت روانی نوجوانان ۱۵-۱۸ ساله شهر تهران با سبک های تربیتی والدین»، نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، صص ۳۷-۵۱.
- مارشال، کترین و گرچن ب. راس من (۱۹۹۵)، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی، نشر دفتر پژوهش های فرهنگی.
- محمدی، مصطفی و سلیمان فرهادی و فرهاد حساری (۱۳۹۰)، «آسیب شناسی تأثیر ماهواره بر هویت اجتماعی فرهنگی»، همایش ملی صنایع فرهنگی و نقش آن در توسعه پایدار، فصلنامه توسعه پایدار، صص ۱-۱۴.
- نجاریور استادی، سعید (۱۳۸۷)، «رابطه جو عاطفی خانواده، خودپنداره، عزت نفس و پایگاه اقتصادی اجتماعی با شکل گیری هویت جوانان»، فصلنامه اندیشه و رفتار، دوره ۳، ش ۹، صص ۴۹-۵۹.
- نصیرزاده، راضیه و محمدرضا شعیری (۱۳۸۹)، «رابطه ادراک از خشونت والدین در فرزندپروری و باورهای مذهبی و خانواده کودکان»، تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۸، ش ۱، صص ۵۷-۶۰.

Aluja, Anton & Victoria del Barrio & Luis F. Garcia (2005), "Relationships Between Adolescents' Memory of Parental Rearing Styles, Social Values and Socialization Behavior Traits", *Personality and Individual Differences*, 39, pp. 903-912.

- Baumrind, D.(1991), "The Influence of Parenting Style on Adolescent Competence and Use", *Journal of Early Adolescence*,11, pp. 56-95.
- Baumrind, D.(1971), "Current Pattern of Parental Authority", *Developmental Psychology* , 49, pp. 1-103.
- Buri, J. R.(1991), "Parental Authority Questionnaire", *Journal of Personality Assessment*, 57 (1), pp.110- 119.
- Carlsson, Ulla & Samy Tayie & Genevieve Jacquinet-Delaunay & Jose Manuel Perez Tornero (Eds) (2008), *Empowerment through Education: An Inter Cultural Dialogue*, Sweden: Goteborg University.
- Cooper, C. E.(2010), "Family Poverty, School-Based Parental Involvement, and Policy-Focused Protective Factors in Kindergarten", *Early Childhood Research Quarterly*, 25, pp.480-492.
- Gunnoe, M. L. & K. A. Moore (2002), "Predictors of Religiousness Among Youth Aged 17-22: A Longitudinal Study of the National Survey of Children", *Journals for the Scientific Study of Religion*, 41(4), pp. 613-622.
- Horwath, J. & J. Lees & P. sidebotham (2012), "The Influence and Religion on Adolescent Family Life in England: an Explanatory Study of the Views of Young People and Parents' Social Compass", *Journals New Media & Society*, 59(2), pp. 257-275.
- Meesters, C. & P. Muris (2004), "Perceived Parental Rearing Behavior and Coping in young Adolescents", *Personality and Individual Differences*, Vol. 37, Issue 3, pp. 513-522.
- Peterson, C. & G. M. Buchanan & M. E. P. Seligman (2003), "Family Income as a Determinant of the Health of Adolescents", *Psychological Review*, pp.1-19.
- Spilka, B. & et al. (2003), "The Concept of God: A Factor-Analytic", *Review of Religious Research*. 3rd Edition, New York: Guilford.
- Steinberg, L. & N. Darling (1989), "Parenting Style As context: An Integrative Model", *Psychological Bulletin*, 113, pp. 487-496.